



طراحی مدل توسعه کارآفرینی افراد معلول و جانباز با رویکرد توانمندسازی

مجید میرزامحمدی^۱

کریم حمدی^۲

مهرداد نوابخش^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۰۶/۰۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۰۶/۱۶

چکیده

فقدان الگوی مناسب برای کارآفرینی معلولان و جانبازان و فقدان توانمندی‌های لازم در این زمینه، از جمله چالش‌های مطرح شده در ادبیات کارآفرینی است. هدف از انجام پژوهش حاضر، طراحی مدل توسعه کارآفرینی افراد معلول و جانباز با رویکرد توانمندسازی بود. روش پژوهش، تحلیل محتوای کیفی مبتنی بر «نظریه داده بنیاد» و ابزار پژوهش مصاحبه نیمه ساختار یافته عمیق و با روش هدفمند نسبت به انتخاب نمونه‌های آماری تا مرحله اشباع نظری در داده‌ها و روش تجزیه و تحلیل از طریق کدگذاری به استخراج مقوله‌های مربوط به مدل اقدام گردید. در کدگذاری باز، ۲۶۹ کد اولیه، در کدگذاری محوری ۵۰ مقوله عمده و در کدگذاری انتخابی ۱۶ مقوله هسته‌ای در قالب شرایطی، تعاملی/ فرایندی و پیامدی طبقه بندی شده‌اند. در جهت تحقق اهداف پژوهش بر مبنای تئوری زمینه‌ای، توسعه کارآفرینی به عنوان پدیده اصلی در قالب یک الگوی منطقی و با تکیه بر فهم آن با شرایط (علی، واسطه‌ای و زمینه‌ای)، تعاملات/ کنش‌ها و پیامدها مشخص گردید. در مجموع انجام این پژوهش به نتایج مناسب منجر شد که با حرکت به سوی این الگو، شاهد تغییر اساسی در بهبود کارآفرینی معلولان و جانبازان خواهد بود.

کلمات کلیدی

توسعه کارآفرینی، معلولان، جانبازان، رویکرد توانمندسازی

۱- گروه مدیریت کارآفرینی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. s.saebniya@gmail.com

۲- گروه مدیریت بازرگانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) Hamdi_karim1@yahoo.com

۳- گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Mehrdad_Navabakhsh@yahoo.com

در هیچ دورانی مانند عصر حاضر، جوامع با مشکلات و مسائل موجود در رابطه با معلولیت ۱ و آثار سوء ناشی از عدم چاره جویی این افراد، روبرو نبوده است. هر ساله بر تعداد معلولین افزوده شده و خطر از هم پاشیدگی خانواده‌های آسیب دیده و یأس و سرخوردگی بر بسیاری از معلولین سایه افکنده است (اسلامی نسب، ۱۳۷۲). معلولیت از هر نوعی و هر شدتی که باشد اغلب از طریق ایجاد اضطراب، نگرانی، کاهش اعتماد و دشواری‌های روانی دیگر در پیدایش بحران‌های روحی موثر واقع می‌شود. خطر خودکشی معلولان مبتلا به بیماری روانی نسبت به گروه دیگر بیشتر (چوی ۲ و همکاران، ۲۰۲۰)، اعتماد به نفس پایین‌تر (کینگ ۳ و همکاران، ۲۰۱۹) و کیفیت زندگی پایین (مایرز ۴ و همکاران، ۲۰۲۰) است. از سویی، به نظر می‌رسد افراد دارای معلولیت به عنوان اعضای جامعه بشری همواره با چالش‌هایی از نظر اشتغال نیز رو به رو هستند. آن‌ها اغلب در بسیاری از زمینه‌ها تحت تبعیض قرار می‌گیرند؛ به طوری که نه تنها حقوق انسانی‌شان نادیده گرفته می‌شود بلکه منافع اقتصادی که در صورت ارجاع به این افراد عاید خود آن‌ها و خانواده و کشورشان می‌گردد نیز به حساب نمی‌آید (عبادی و همکاران، ۱۳۹۲). نتایج پژوهش‌های صورت گرفته هم بیانگر آن است که معلولان در کشورهای مختلف و در مقایسه با سایر افراد جامعه، امکانات اولیه زندگی مانند بهداشت، مسکن، آموزش و شغل مناسب ندارند (هوانگ و رولستون ۵، ۲۰۱۵).

یکی از رایج‌ترین و انعطاف پذیرترین روش‌های اشتغال و به کارگیری معلولان هم، خوداشتغالی یا کارآفرینی است (شفیع آبادی، ۱۳۹۶). کارآفرینی یکی از موثرترین مکانیزم‌هایی است که معلولان را به آغوش جامعه بازگردانده (مرادی و همکاران، ۱۳۸۸) و از پیامدهای منفی ناشی از معلولیت بکاهد. زیرا فرصت برای کار از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر کیفیت زندگی افراد دچار معلولیت جسمی است. داشتن شغل مناسب، پیش شرط لازم برای بازگرداندن معلولان جسمی به آغوش جامعه است (مرادی و همکاران، ۱۳۸۸). در این نوع اشتغال، معلولان متناسب با توانایی‌ها و علاقه خود کاری مولد انجام می‌دهند، کالایی را تولید می‌کنند یا خدماتی را ارائه می‌دهند (علاءفر، ۱۳۷۶). در خوداشتغالی استقلال شایان توجهی در ساعت و نحوه کار وجود دارد و دامنه فعالیت بسیار گسترده است و انجام آن در همه مکان‌ها امکان پذیر است (شفیع آبادی، ۱۳۹۶). همچنین، بسیاری از معلولان به دلیل رویارویی با محدودیت‌های فراوان هنگام جست و جو برای یافتن کسب و کار سنتی، به کارآفرینی روی می‌آورند. این موانع ممکن است از نبود تسهیلات فیزیکی در محیط کار یا نیاز به برنامه‌ای انعطاف پذیر ناشی شود. با وجود این محدودیت‌های کاری، معلولان به فرصت‌هایی برای پیگیری شغل و کارآفرینی نیاز

فصلنامه مدیریت کسب و کار - شماره چهل و هفتم - پائیز ۱۳۹۹

دارند (هولب، ۲۰۰۱)؛ بنابراین، خوداشتغالی از طریق کارآفرینی می‌تواند درآمدی مستمر برای معلولان و به طور ویژه برای افراد با معلولیت شدید باشد.

مطالعات متعدد نشان می‌دهد معلولان، کارآفرینی را به کار برای افراد و سازمان‌های دیگر ترجیح می‌دهند (پاگان، ۲۰۰۹؛ بورچارت، ۲۰۰۲؛ جونز، ۲۰۰۵؛ رونی، ۲۰۰۹؛ مارتینز، ۲۰۰۴)، به طوری که میزان کارآفرینی در بین آن‌ها نسبت به افراد سالم بیشتر است (هولب، ۲۰۰۲). کارآفرینی برای معلولان مزیت‌های شخصی، اجتماعی، مالی و از همه مهم‌تر اشتغال دائم را به همراه دارد (پاگان، ۲۰۰۹؛ بویلان، ۱۲ و بورچارت، ۲۰۰۳). اولین گام در این زمینه، نگرش مثبت به کارآفرینی است که برای نیل به کارآفرینی بالا ضروری است (نووینسکی و هادود، ۱۳، ۲۰۱۹) و سپس گام مهم در کارآفرینی براساس رویکرد شایستگی محور، تعیین توانمندی‌های کارآفرینانه است؛ بنابراین، در تلاش برای برآوردن نیازهای آموزشی معلولان در جنبه‌های مختلف فرایند کارآفرینی، ضروری است بدانیم کدامیک از توانمندی‌های کارآفرینانه باید در این افراد گسترش یابد (ایزکوردو، ۱۴ و همکاران، ۲۰۰۵). مدت‌هاست که توانمندی، مفهومی کاربردی در ادبیات مدیریت دارد. البته در چند سال اخیر به نقش و اهمیت توانمندی در عملکرد افراد توجه شده است. توانمندسازی، اصطلاحی است برای توصیف هموار کردن راه خود یا دیگران برای تلاش در جهت دستیابی به اهداف شخصی. می‌توان گفت توانمندسازی به تدارک و تسلط بیشتر بر منابع و کسب منافع برای افراد اطلاق می‌شود (والاس و ابوت، ۱۵، ترجمه نجم عراقی، ۱۳۹۹). مان، ۱۶ و همکاران (۲۰۰۲) معتقدند توانمندی‌های کارآفرینی توانایی کلی کارآفرین برای انجام موفق این نقش است.

بررسی ادبیات پژوهشی نشان می‌دهد تاکنون مطالعه‌ای در زمینه عوامل مؤثر بر کارآفرینی معلولان و کسب و کار آن‌ها (مانند شایستگی‌های فردی و تشخیص فرصت، جست و جوی اطلاعات، جمع‌آوری منابع، گروه‌سازی و ویژگی‌های ایده کسب و کار) صورت نگرفته است (رونی، ۲۰۰۹). درحالی که ایجاد و توسعه شایستگی‌های کارآفرینانه عامل اساسی در توانمندسازی این افراد و تبدیل شدن آن‌ها به کارآفرینان موفق است. با وجود این، تعداد شایان توجهی از معلولان به آموزش مهارت‌های مناسب برای کارآفرینی دسترسی ندارند و به ویژه در کشورهای درحال توسعه این افراد آموزش‌های حرفه‌ای نمی‌بینند (پاورز، ۱۷، ۲۰۰۸). از طرفی دیگر بیشتر نظریه‌ها و تحقیقات کارآفرینی معلولان هیچ جایگاهی ندارند و بیشتر نظریه‌ها و پژوهش‌ها، کارآفرینان را افرادی توانا و بدون معلولیت در نظر گرفته‌اند (باقری و همکاران، ۱۳۹۴).

طراحی مدل توسعه کارآفرینی افراد معلول و جانباز با /میرزا محمدی، حمدی و نوابخش

در مجموع می‌توان گفت توانمندسازی معلولان و جانبازان به واسطه توسعه کارآفرینی برای این گروه از جامعه به نظر می‌رسد فرایندی است که نتیجه نهایی آن خروج معلولان از چرخه فقر و رسیدن به خوداتکایی و خودکفایی و پیوستن به جریان اصلی زندگی است. اما در کشور ما، تاکنون پژوهش نظام‌مندی درباره کارآفرینی معلولان صورت نگرفته است. در نتیجه، سیاست‌گذاران آموزش معلولان از توانمندی‌های و نیازهای معلولان کشورمان برای کارآفرین شدن و نیز آموزش کارآفرینی آگاهی ندارند. بر همین اساس، هدف مقاله حاضر ارائه مدل توسعه کارآفرینی با رویکرد توانمندسازی معلولان و جانبازان بوده و در صد پاسخگویی به این سوال است که مدل توسعه کارآفرینی افراد معلول و جانباز با رویکرد توانمندسازی چگونه است؟

ادبیات تحقیق

کارآفرینی معلولین

واژه‌ی کارآفرینی از کلمه فرانسوی "*Entreprendre*" به معنای متعهد شدن نشأت گرفته است. بنا بر تعریف واژه نامه وبستر: کارآفرین کسی است که متعهد می‌شود مخاطره‌های یک فعالیت اقتصادی را سازماندهی و اداره‌ی آن را تقبل کند (احمد پورداریانی، ۱۳۹۱). در اکثر کشورهای مختلف توجه خاصی به افراد موفق و کارآفرینان می‌شود و تقویت نوآوری‌ها و موفقیت‌ها و ایجاد بستر مناسب برای این امر از ابزارهای پیشرفت اقتصادی کشورها و به ویژه کشورهای در حال توسعه به شمار می‌آید؛ زیرا فعالیت کارآفرینی با اثربخشی زیاد منجر به توسعه اقتصادی (ایجاد اشتغال، نوآوری در فعالیت‌ها، رقابت-پذیری و غیره) می‌شود (اوتو ۱۸، ۲۰۰۹). و به ویژه کارآفرینی در اکثر کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نیز، اصلی‌ترین منبع توسعه و اشتغال‌زایی، مدنظر قرار گرفته است. به عبارتی دیگر، توسعه کارآفرینی به عنوان موتور تغییر در تعادل اقتصادی، یکی از فرایندهای جدی توسعه پایدار به ویژه در در قرن بیست و یکم و اقتصاد مبتنی بر دانش امروز است (برگلاند ۱۹، ۲۰۱۲؛ ژائو ۲۰، ۲۰۱۲؛ کینگومی ۲۱، ۲۰۱۱).

با تأملی ژرف پیرامون خود، در میان اعضای جامعه با گروهی برخورد می‌کنیم که دچار معلولیت هستند. در سال‌های اخیر نیز، بروز عواملی همچون بلایای طبیعی و جنگ‌ها، موجب افزایش رو به رشد تعداد افراد معلول در سراسر جهان گردیده است به طوری که معلولین، حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد از جمعیت کل دنیا را تشکیل می‌دهند. معلولیت عبارت است از محرومیت و وضعیت نامناسب یک فرد که پیامد نقص و ناتوانی است و مانع از انجام نقشی می‌شود که با توجه به شرایط سنی، جنسی، اجتماعی، فرهنگی و طبیعی برای فرد در نظر گرفته شده است (سطوت و همکاران، ۱۳۹۷). اصطلاح معلول به

فصلنامه مدیریت کسب و کار - شماره چهل و هفتم - پائیز ۱۳۹۹

فردی اطلاق می‌شود که امکان تهیه و حفظ شغل مناسب برای وی در نتیجه علل و نواقص جسمانی و عقلی به میزان قابل توجهی تقلیل یافته باشد (ظهیری‌نیا، ۱۳۹۰). معلولان جسمی حرکتی افرادی هستند که به هر علت ضعف یا اختلال دارند، در سیستم حرکتی توانایی ندارند و برای تحرک به برخی وسایل کمکی مانند کراچ، واکر و ویلچر نیازمندند (کریمی درمنی، ۱۳۹۷).

پژوهش‌های صورت گرفته از وضعیت زندگی معلولین، حاکی از آن است که این گروه در کشورهای مختلف، از امکانات اولیه زندگی همانند بهداشت، مسکن و آموزش، نسبت به سایر افراد جامعه برخوردار نیستند (سازمان جهانی بهداشت ۲۲، ۲۰۱۲). وجود این تبعیض‌ها، آثار زیانباری برای افراد دارای معلولیت، چه در زندگی فردی و چه در زندگی اجتماعی، به دنبال داشته است به اصلی‌ترین چالش زندگی آنان بدل گردیده است (پاماماتو ۲۳ و همکاران، ۲۰۱۱).

بسیاری از معلولان برای ایجاد تعادل بین کار و زندگی به کارآفرینی روی می‌آورند، اما در این راه با مشکلات بسیاری روبه‌رو می‌شوند. نبود آموزش‌های کارآفرینی مناسب برای معلولان و نداشتن شایستگی‌های لازم در این زمینه، از جمله چالش‌های مطرح شده در ادبیات کارآفرینی معلولان است. درحالی که ایجاد و توسعه شایستگی‌های کارآفرینانه عامل اساسی در توانمندسازی این افراد و تبدیل شدن آن‌ها به کارآفرینان موفق است. با وجود این، تعداد شایان توجهی از معلولان به آموزش مهارت‌های مناسب برای کارآفرینی دسترسی ندارند و به ویژه در کشورهای در حال توسعه این افراد آموزش‌های حرفه‌ای نمی‌بینند (پاورز، ۲۰۰۸). از طرفی دیگر بیشتر نظریه‌ها و تحقیقات کارآفرینی معلولان هیچ جایگاهی ندارند و بیشتر نظریه‌ها و پژوهش‌ها، کارآفرینان را افرادی توانا و بدون معلولیت در نظر گرفته‌اند (باقری و همکاران، ۱۳۹۴).

رویکرد توانمندسازی معلولین

در سال‌های اخیر مفهومی ظهور یافته است که به عنوان توانمندسازی ۲۴ مورد بحث قرار گرفته است. پدیده‌ای که به شرایطی اشاره دارد که افراد را قادر می‌سازد به کنترل دست یابند و توانمندسازی مناسبی را برای اثر بخش کردن زندگی و کارشان اعمال نمایند (پیندر ۲۵، ۲۰۰۵). هرچند اجماع کاملی بر سر تعریف توانمندسازی در بین محققین که به این حوزه ورود پیدا کرده‌اند، مشاهده نمی‌شود؛ اما به طور کلی کلیدواژه‌هایی همچون: حق انتخاب، امکان انتخاب (گزینش‌گری)، کنترل، قدرت و دیگر مفاهیم نزدیک به موارد مذکور به تناوب در تعارف موجود از توانمندسازی مورد اشاره قرار گرفته‌اند. چنین واژگانی در بیشتر موارد ناظر بر بهره‌مندی افراد مورد نظر از توانایی لازم برای گرفتن تصمیمات اثربخش و دارای اهمیت برای خود و خانواده‌هایشان است (مالوتره و همکاران، ۱۳۸۹). در یکی از

طراحی مدل توسعه کارآفرینی افراد معلول و جانباز با /میرزا محمدی، حمدی و نوابخش

بهترین بررسی های تجربی انجام شده درباره توانمندسازی تا به امروز اسپریتزر (۱۹۹۶) چهار بُعد را برای توانمندسازی شناسایی کرد. وتن و کمرون (۲۰۰۰) بر اساس پژوهش میشر (۱۹۹۲) یک بعد دیگر به مدل او افزوده‌اند. این پنج بعد عبارتند از: احساس خوداثربخشی (۲۹) (احساس شایستگی شخصی)، احساس خودمختاری (۳۰) (احساس انتخاب شخصی)، پذیرفتن شخصی نتیجه (احساس مؤثر بودن)، احساس معنی دار بودن (احساس ارزشمندی کار) و احساس اعتماد به دیگران (۳۱) (احساس امنیت). از دیدگاه توانبخشی هدف توانمندسازی کمک به افراد ضعیف است تا تلاش کنند بر ضعف‌هایشان غلبه کنند و جنبه‌های مثبت زندگیشان را بهبود ببخشند و استعداد‌های خود را شکوفا کنند (دستیار و محمدی، ۱۳۹۷). امروزه، ما با دیدگاه اجتماعی جدید توسعه یافته حقوق بشر زندگی می‌کنیم، با این تفکر که افراد ناتوان باید لذت ببرند (استادیان خانی و فدایی مقدم، ۱۳۹۶). بنابراین مقتضی است به توانمندسازی و استقلال افراد ناتوان و عوامل تأثیرگذار بر آن توجه شود. از عواملی که ممکن است در توانمندی معلولان نقش داشته باشد، کارآفرینی است.

پیشینه تجربی

پس از مرور اجمالی بر مبانی نظری، اینک به پژوهش‌های انجام شده در این زمینه اشاره کوتاه می‌شود :

باقری و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «شناسایی شایستگی‌های کارآفرینانه با تأکید بر معلولان جسمی حرکتی» در مجموع مؤلفه‌های به دست آمده را در هشت بعد شایستگی‌های کارآفرینانه معلولان جای داده است. این ابعاد شامل شایستگی‌های شناسایی فرصت، ارتباطی، مفهومی، سازماندهی، راهبردی، تعهد، شایستگی‌های فردی و مدیریتی کسب و کار بودند.

عطایی کجویی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «طراحی مدل کارآفرینی اجتماعی- فرهنگی با هدف توانمندسازی زنان سرپرست خانوار شهر اصفهان» نشان داد که " قصد کارآفرینانه‌ی اجتماعی- فرهنگی " که بیشترین تأکید مصاحبه شونده‌گان را از آن خود کرده بود. نتایج نشان می‌دهد که ویژگی‌ها و دانش حرفه‌ای سازمان‌های متولی امور زنان و ویژگی و قابلیت‌های زنان سرپرست خانوار از مهم‌ترین عوامل علی مؤثر بر پدیده‌ی مرکزی هستند. عوامل زمینه‌ای در این پژوهش عبارتند از: عوامل فرهنگی، رسانه، توزیع نامناسب امکانات و خدمات در مناطق مختلف شهری، مذهب، ضعف قوانین موجود، سطح پایین سرمایه اجتماعی و آموزش و پرورش. شبکه اجتماعی زنان سرپرست خانوار، سازمان‌های مردم‌نهاد و خیریه‌ها، شناسایی فرصت‌های کارآفرینی و موازی کاری سازمان‌های متولی امور زنان، عوامل واسطه‌ای شناخته‌شده در این پژوهش هستند.

فصلنامه مدیریت کسب و کار - شماره چهل و هفتم - پائیز ۱۳۹۹

کیانی چلمردی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی راه های توانمندسازی معلولین بر حسب نوع و شدت معلولیت در استان اردبیل با تأکید بر توانمندسازی حرفه ای» نشان داد که توانمندسازی شغلی از طریق تسهیلات برای افراد دارای معلولیت ذهنی تأثیر معنی داری نداشته است و همچنین ارائه تسهیلات در سطح شهر کمک بیشتری به توانمندسازی شغلی معلولین کرده است. در مورد جنسیت نیز، مردان بیشتر از زنان به واسطه ی تسهیلات ارائه شده توانمند شده اند.

ورکیانی پور و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «ارائه مدل توسعه کارآفرینی زنان با رویکرد توسعه پایدار روستایی در استان گلستان» مدل توسعه کارآفرینی زنان را بر اساس عوامل فردی، شبکه ای، محیطی و سازمانی تدوین نموده اند.

شیر ۳۲ و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «کارآفرینی و بهزیستی: نقش خودمختاری روانشناختی، توانمندسازی و ارتباط آنها با هم» نشان داد که نشان دادند که مشارکت فعال در فعالیت های کارآفرینانه به شدت با بهزیستی همراه است. بنابراین، اهمیت استقلال و خودمختاری برای کارآفرینی برجسته می شود و این باعث می شود کارآفرینی از نظر نیازهای روانشناختی اساسی در مقایسه با سایر گزینه های کاری مفیدتر باشد.

در مجموع بررسی ادبیات بحث شده، حاکی از آن است که الگویی که توجیه کننده کارآفرینی معلولین و جانبازان با رویکرد توانمندسازی باشد تا به امروز مغفول است.

روش تحقیق

جامعه و نمونه آماری

پژوهش حاضر از نوع پژوهش های کیفی است که با استفاده از روش نظریه بر خاسته از داده ها^{۳۳}، به جمع آوری و تحلیل داده ها می پردازد. این رویکرد به دنبال ایجاد یک نظریه یا مدل و الگوست (چارماز^{۳۴}، ۲۰۰۷). در این نوع از پژوهش به اطلاع رسانی کلیدی (و درگیر با ابعاد و اضلاع مسئله و موضوع تحقیق) مراجعه می شود و کوشش به عمل می آید که (با روش کیفی و از طریق مصاحبه عمیق، فعال و اکتشافی با این مطلعان) در ساختار درونی ارزش ها و تجارب آنان که به نحوی از انحا با موضوع تحقیق ارتباط دارد، تعمق و امعان نظر شود. طبیعی است که این کار همان طور که گلیرز^{۳۵} (۱۹۹۸) از مبدعان این نظریه تأکید کرده است، به حساسیت نظری^{۳۶} لازم برای فهم محتوای کلامی (و رفتاری) نیاز دارد تا مفاهیم و مقولات مرتبط با موضوع استحصال و روابط آنها بررسی شود.

طراحی مدل توسعه کارآفرینی افراد معلول و جانباز با /میرزا محمدی، حمدی و نوابخش

ابزار گردآوری داده‌ها

در پژوهش حاضر از ابزار مصاحبه اکتشافی و نیمه‌ساختار یافته، یادداشت‌برداری و مرور اسناد استفاده شده است. نمونه‌گیری در این پژوهش به صورت هدفمند که از روش‌های نمونه‌برداری غیراحتمالی استفاده شده است. در راستای گردآوری داده‌های مناسب از روش نمونه‌گیری نظری استفاده گردید. بدین منظور، برای شناسایی افراد مصاحبه‌شونده از نظرات اساتید حوزه کارآفرینی استفاده شده است و اطلاع‌رسانان بر اساس اهداف خاص پژوهش انتخاب شده‌اند و بر حسب محتویات مصاحبه‌های اکتشافی با اطلاع‌رسانان، و با روش گلوله برفی، مراجعه به اطلاع‌رسانان دیگری ضرورت یافت. نمونه‌گیری و مصاحبه تا زمانی ادامه پیدا کرد که فرایند تجزیه و تحلیل و اکتشاف به اشباع نظری برسد. معیار قضاوت در مورد زمان متوقف کردن نمونه‌برداری، کفایت نظری مقوله‌های پژوهش است. بنا براین، با تعداد ۱۶ نفر از اطلاع‌رسانان کلیدی (متخصصان موضوعی کارآفرینی و کارشناسان توانبخشی حرفه ای معلولان در بهزیستی ها) مصاحبه اکتشافی صورت گرفته است.

تحلیل داده‌های پژوهش

تحلیل مصاحبه‌ها به صورت مستمر با کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد. برای اطمینان از کیفیت، هر مصاحبه پیاده شده حداقل سه بار مورد بازنگری قرار گرفت و جملات شرکت کنندگان برای بررسی انسجام و سازگاری با بقیه اظهارات وی در مصاحبه مقایسه شدند. همچنین تعدادی از مصاحبه‌ها حسب درخواست خود مصاحبه‌شوندگان (تقریباً یک سوم مصاحبه‌ها) برای ایشان ارسال شد تا پیاده سازی آن نیز مورد تایید قرار گیرد.

اطمینان پذیری و اعتباریابی^{۳۷}:

برای اطمینان‌پذیری از محقق ساختن معیار تناسب ۳۸ یافته‌ها از سه نفر متخصصان حوزه کارآفرینی در دانشگاه محقق‌اردبیلی استفاده شد. همچنین مدل پدیدار شده، به چهار نفر از مشارکت‌کنندگان ارائه شده و نظریه‌های تکمیلی آنان دریافت و اعمال گردید. برای تحقق معیار منطق ۳۹ و عمق ۴۰ مسئله نیز در روندمصاحبه‌ها و تحلیل آن‌ها تلاش گردید جریان مصاحبه از پیوستگی و توالی مناسبی برخوردار شود و ماحصل یافته‌ها در طول مصاحبه به‌طور مبسوط، همراه با جزئیات و با توجه به مقوله‌ها و ابعاد آن بازبینی شود. در نهایت، برای تحقق معیاراستناد به یادداشت‌ها؛ به دلیل اینکه پژوهشگر در فرایند تحلیل یافته‌ها تمامی مباحث و گفته‌ها را نمی‌تواند به خاطر بیاورد، استفاده از یادداشت‌ها ضرورت یافت، تا پژوهشگر در فرایند انجام و تحلیل مصاحبه‌ها به یادداشت‌های مستخرج از داده‌ها استناد نماید.

یافته‌ها

برای پاسخگویی به سوالات تحقیق، داده‌های کیفی جمع‌آوری شده از طریق مصاحبه بر اساس روند نظریه داده بنیاد مورد واریسی و تحلیل شدند. اولین اقدام استخراج مفاهیم اولیه از طریق کدگذاری باز ۴۱، متون مصاحبه‌ها بوده است. بنا به تعریف ارائه شده از سوی اشتروس و کوربین (۱۹۹۸) کدگذاری باز، روند تحلیلی است که طی آن مفاهیم مشخص و خصوصیات و ابعاد آنها در داده‌ها کشف می‌شود. کدگذاری محوری ۴۲ دومین مرحله از فرآیند پیشنهادی از سوی اشتروس و کوربین (۱۹۹۸) است که طی آن مرتبط ساختن مقوله‌های فرعی ۴۳، بر مبنای خصیصه‌ها و ابعاد آنها در سطوح مختلف، مقولات اصلی ۴۴ شکل می‌گیرند. این فرآیند به آن جهت «محوری» نام گذاری شده است که کدها پیرامون محور مفهومی اصلی مقوله مورد نظر جای می‌گیرند (اشتروس و کوربین، ۱۹۹۸).

برای پاسخگویی به سؤال اول پژوهش مبنی بر «از دیدگاه متخصصان مقوله‌های اثرگذار بر توسعه کارآفرینی با توجه به رویکرد توانمندسازی معلولان و جانبازان کدامند؟» مصاحبه‌های ضبط شده پس از پیاده‌سازی، با استفاده از روش تحلیل محتوا به صورت سطر به سطر واکاوی، مفهوم‌یابی، طبقه‌بندی و همچنین، بر اساس مشابهت، ارتباط مفهومی و خصوصیات مشترک بین کدهای باز، مفاهیم و مقوله‌ها مشخص گردیدند. در جدول ۱ کدهای اولیه و دوم (مرحله کدگذاری باز) مفاهیم با تشکیل مقوله‌های محوری؛ جدول ۲ طبقه‌بندی مقوله‌های هسته‌ای و سپس جدول ۳ مقوله‌های عمده به لحاظ شرایط علی، زمینه‌ای، میانجی، پدیده محوری و راهبردها و پیامدهای مربوط ارائه شده است.

تحلیل داده‌ها (کدگذاری)

الف) کدگذاری باز: در مرحله اولیه کدگذاری باز، مفاهیم استخراج شده با یک مقوله نام‌گذاری شدند و مقوله‌هایی انتخاب شدند که بیشترین بار معنایی را داشته‌اند. بنابراین، با بررسی داده‌های اولیه، تعداد ۳۱۴ مفهوم به استحصال گردید.

بعد از انجام کدگذاری باز (مرحله اول)، در مرحله دوم کدگذاری باز، مفاهیم و مقوله‌های مشابه و مشترک از طریق مقایسه‌ای ثابت داده‌ها در یکدیگر ادغام گردیدند و مقوله‌های همسان و دارای بار معنایی مشترک با تاکید بر فراوانی مفاهیم و مقوله‌ها در قالب یک مفهوم و مقوله واحد قرار داده شدند و بر این اساس، تجمیع داده‌ها به تعداد مشخص و محدودی از مقوله‌های کلی کاهش یافت که در این مرحله، ۲۶۹ مفهوم و ۵۰ مقوله عمده به دست آمد که به دلیل طولانی بودن جدول از آوردن آن خودداری می‌شود.

طراحی مدل توسعه کارآفرینی افراد معلول و جانباز با /میرزا محمدی، حمدی و نوابخش

ب) کدگذاری محوری: بعد از مشخص شدن مقوله‌های عمده پژوهش، کدگذاری محوری شروع شد. در این مرحله نیز، به منظور ترسیم الگوی پارادایمی، باید بین مقوله‌های محوری نظم منطقی ایجاد می‌گردید. بدین منظور، بار دیگر کدگذاری‌ها با یکدیگر مقایسه و در قالب مقوله‌هایی که باهم تناسب دارند، با همدیگر ادغام شدند که در نهایت ۱۶ مقوله محوری (هسته‌ای) از ۵۰ مقوله عمده به دست آمد که حول یک محور جهت تشکیل یک بافت مستحکم از روابط به وجود آمد.

در نهایت با کدگذاری محوری، با الهام از گلاسر، مقوله‌های محوری احصاء شده به عنوان سیستم فرایندها، که دارای مراحل، گام‌ها و توالی‌های مرتبط با یکدیگر است، همانند شکل ۱، در نظر گرفته شدند.

جدول ۱: تعداد مفاهیم، مقوله‌های عمده و هسته‌ای استخراج شده به تفکیک ابعاد توسعه کارآفرینی

ردیف	مقوله‌های هسته‌ای	مقوله‌های عمده	تعداد مفاهیم استخراج شده
۱	عوامل فردی	۸	۴۴
۲	عوامل خانوادگی	۳	۱۴
۳	عوامل اجتماعی	۲	۱۴
۴	عوامل مالی	۲	۱۳
۵	عوامل ساختاری/سازمانی	۱۰	۵۶
۶	تبعیض نگرشی	۱	۷
۷	نظارت حمایتی	۱	۵
۸	تجارب	۳	۹
۹	تغییر نگرش	۱	۱۱
۱۰	اصلاح زیرساخت‌ها	۱	۶
۱۱	توافق جمعی	۱	۳
۱۲	مشارکت	۱	۶
۱۳	حمایت خیرین	۱	۵
۱۴	توانمندسازها	۶	۲۰
۱۵	پیامدها	۶	۲۸
۱۶	پدیده (توسعه کارآفرینی)	۴	۲۸
جمع کل	۱۶	۵۰	۲۶۹

فصلنامه مدیریت کسب و کار - شماره چهل و هفتم - پائیز ۱۳۹۹

جدول ۲: طبقه‌بندی نهایی مقوله‌های عمده به تفکیک سه بُعد شریاطی، تعاملی/فرایندی و پیامدی

ردیف	مقوله‌های عمده	مقوله‌های محوری	نوع مقوله
۱	استقلال عمل، خلاقیت ذهنی، تخصص، تجربیات شغلی، توجه به نیازها، انگیزش درونی، تلاش و پشتکار، ویژگی‌های فردی	عوامل فردی	شرایطی
۲	حمایت خانواده، مشوق خانوادگی، احساس وابستگی	عوامل خانوادگی	شرایطی
۳	حمایت اجتماعی، حقوق انسانی	عوامل اجتماعی	شرایطی
۴	حمایت مالی، تسهیلات مناسب	عوامل مالی	شرایطی
۵	حمایت دولت، برنامه راهبردی، تمرکززدایی، دوراندیشی، تشکیلات راهبری، هماهنگی، شفافیت قانونی، سیاستگذاری، تحقیق و توسعه، اصلاح ساختارها	عوامل ساختاری/سازمانی	شرایطی
۶	اصل شایستگی، اصل خودباوری، اصل خوداشتغالی، اصل فرصت آفرینی	توسعه کارآفرینی	پدیده محوری
۷	تبعیض نگرشی	تبعیض نگرشی	شرایطی
۸	نظارت حمایتی	نظارت حمایتی	شرایطی
۹	تجارب استانی، تجارب ملی، تجارب بین‌المللی	تجارب	شرایطی
۱۰	تغییر نگرش	تغییر نگرش	شرایطی
۱۱	اصلاح زیرساخت‌ها	اصلاح زیرساخت‌ها	شرایطی
۱۲	توافق جمعی	توافق جمعی	شرایطی
۱۳	مشارکت	مشارکت	شرایطی
۱۴	حمایت خیرین	حمایت خیرین	شرایطی
۱۵	خدمات توانبخشی حرفه‌ای، سرمایه‌گذاری استانی، آموزش مهارت‌ها، تسهیم دانش کارآفرینی، تسهیم تجارب کارآفرینی و برگزاری نمایشگاه‌ها	توانمندسازها	تعاملی
۱۶	احساس رضایت، رفاه اجتماعی، منزلت اجتماعی، احساس خوداثربخشی، امید به زندگی، احساس شایستگی	نتایج	پیامدی

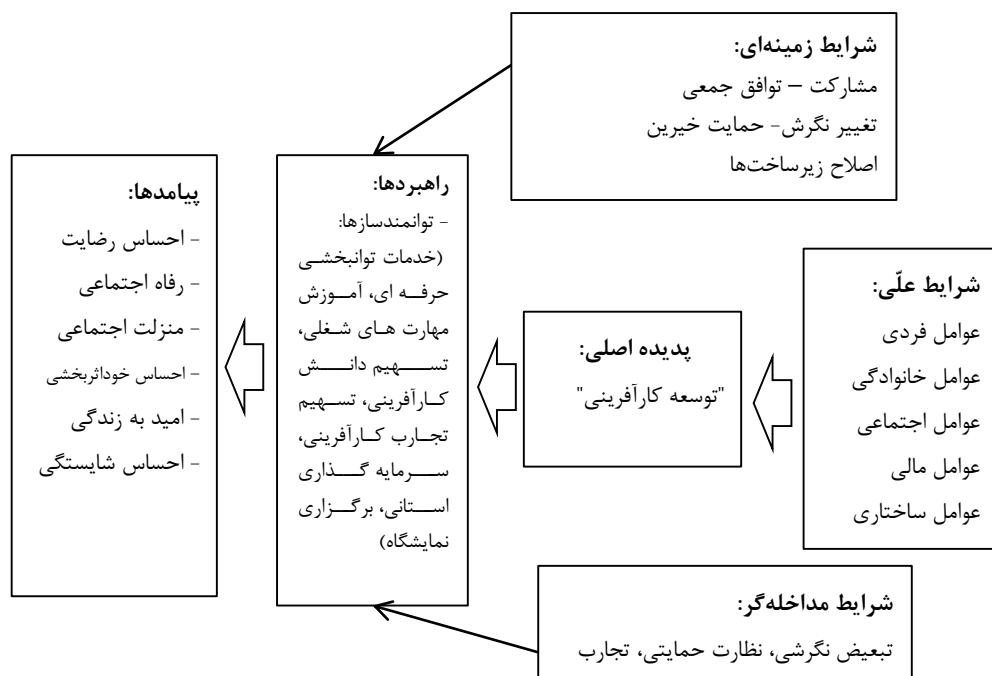
همان‌طور که در جدول ۲ مشخص است، تمام مقوله‌های محوری (هسته‌ای) در قالب مقوله‌های شریاطی، تعاملی/فرایندی و پیامدی طبقه‌بندی شده‌اند.

در پاسخ به سؤال دوم پژوهش مبنی بر «چه‌الگویی را می‌توان برای توسعه کارآفرینی با رویکرد توانمندسازی معلولان و جانبازان متصور شد؟» پس از مطالعه مبانی نظری موجود و تحلیل مصاحبه‌ها،

طراحی مدل توسعه کارآفرینی افراد معلول و جانباز با /میرزا محمدی، حمدی و نوابخش

مقوله‌های اصلی و فرعی مربوط به پدیده توسعه کارآفرینی مبتنی بر الگوی توانمندسازی معلولان و جانبازان احصا و الگوی نهایی به شرح شکل (۱) تدوین گردید.

ج) کدگذاری انتخابی: در این مرحله نظریه‌پرداز داده بنیاد مقوله محوری در جدول ۱ و ۲ را به‌طور روش‌مند انتخاب و با ارتباط دادن آن با سایر مقوله‌ها به ترسیم مدل پارادایمی اقدام نمود که شرحی انتزاعی برای فرایندی که در پژوهش مطالعه شده است، بیانجامد. مدل ترسیمی^{۴۵} ارائه شده برای توسعه کارآفرینی با رویکرد توانمندسازی معلولان و جانبازان به‌صورت شکل ۱ ترسیم شد.



شکل ۱- الگوی نهایی زمینه‌ای فهم توسعه کارآفرینی معلولان با رویکرد توانمندسازی

بحث و نتیجه‌گیری

بحث و نتیجه‌گیری در مورد یافته‌های پژوهش در قالب سوال‌های پژوهش ارائه شده است که باید گفت یافته‌های کیفی با پیشینه تجربی و نظری به‌منظور ارائه دیدگاهی جامع‌تر از هر بحث‌بطور مقایسه‌ای ارائه شده‌اند.

شرایط علی تأثیرگذار بر توسعه کارآفرینی مبتنی بر توانمندسازی معلولان و جانبازان کدامند؟

فصلنامه مدیریت کسب و کار - شماره چهل و هفتم - پائیز ۱۳۹۹

بر مبنای یافته‌های پژوهش در این مطالعه پنج عامل اصلی به عنوان پیش‌آیندهای توسعه کارآفرینی کشف و ارائه شدند. از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان چنانچه در استان اردبیل توسعه کارآفرینی با رویکرد توانمندسازی معلولان و جانبازان اتفاق بیافتد؛ باید در ابتدا به دو پنج تا عامل اساسی توجه شود تا سایر عوامل و مولفه‌ها امکان ظهور و تحقق اجرایی را داشته باشند. این عوامل شامل "عوامل فردی" یعنی ویژگی‌های خود معلولان و جانبازان است که استقلال عمل، خلاقیت ذهنی، تخصص، تجربیات شغلی، توجه به نیازها، انگیزش درونی، تلاش و پشتکار، سایر ویژگی‌های فردی را در بر می‌گیرد. عامل دیگر "عوامل خانوادگی" می‌باشد که حمایت خانواده، مشوق خانوادگی و احساس وابستگی به خانواده را در بر می‌گیرد. عامل دیگر "عوامل اجتماعی" که حمایت اجتماعی و حقوق انسانی معلولان و جانبازان را شامل می‌گردد. در نهایت عوامل دیگر از جمله؛ "عوامل مالی" با حمایت مالی نهادها و ... و تسهیلات مناسب بانکی و "عوامل ساختاری/سازمانی" با حمایت دولت، برنامه راهبردی، تمرکززدایی، دوراندیشی، تشکیلات راهبری، هماهنگی، شفافیت قانونی، سیاستگذاری، تحقیق و توسعه، اصلاح ساختارها.

شرایط علی در کل آن‌هایی هستند که به‌طور مستقیم به مقوله کانونی توسعه کارآفرینی با رویکرد توانمندسازی می‌انجامد و منشأ آن فرایند توسعه است که بعنوان پدیده تحقق پیدا می‌کند. یعنی؛ با عوامل ذکر شده و پیوند و ارتباط آن‌ها با یکدیگر از طریق رفع تبعیض‌های نگرشی از طرف جامعه، سازمان‌ها و شرکت‌ها؛ تجارب استانی، ملی و بین‌المللی کارآفرینی و نیز با نظارت حمایتی همه‌جانبه به‌عنوان شرایط مداخله‌گر یا واسطه‌ای و مشارکت و توافق جمعی نهادهای حمایتی (حمایت‌خیرین) و سازمان‌های کارآفرین با اصلاح زیرساخت‌ها و تغییر نگرش از منفی به مثبت به‌عنوان شرایط زمینه‌ای هم‌افزایی ایجاد می‌کند. بررسی ادبیات پژوهشی در این زمینه نشان می‌دهد تاکنون مطالعه‌ای در زمینه مدل توسعه کارآفرینی معلولان با توجه به توانمندی‌های آنان انجام نشده و بیشتر مطالعات انجام شده مربوط به سایر گروه‌های جامعه است. این یافته با نتایج مطالعات ورکیانی پور و همکاران (۱۳۹۸)، عطایی کجویی (۱۳۹۷)، ابراهیمی (۱۳۹۶)، و شیر و همکاران (۲۰۱۹) همسو می‌باشد. بنابراین، کدهای مفهومی مستخرج از متن مصاحبه‌شوندگان نیز حاکی از این همسویی بوده است. بر اساس فراوانی داده‌ها از عوامل فردی بالاترین فراوانی مربوط به توجه به خلاقیت ذهنی معلولان (۹) و کمترین فراوانی مربوط به تخصص و انگیزش درونی (۳)؛ از بین عوامل خانوادگی نیز بالاترین فراوانی مربوط به مقوله حمایت خانواده‌ها از معلولان (۷) می‌باشد. از بین عوامل اجتماعی بالاترین فراوانی مربوط به حقوق انسانی معلولان (۸) و از عوامل مالی حمایت مالی (۸) و در نهایت از عوامل ساختاری بالاترین

طراحی مدل توسعه کارآفرینی افراد معلول و جانباز با /میرزا محمدی، حمدی و نوابخش

فراوانی مربوط به حمایت همه جانبه دولت (۱۲) بوده است. می‌توان نتیجه گرفت، سه مقوله؛ حمایت دولت، خلاقیت ذهنی معلولان و حمایت مالی و حمایت خانواده‌ها از توسعه کارآفرینی با رویکرد توانمندسازی معلولان به ترتیب بیشترین نقش را به عنوان پیش‌آیندهای توسعه کارآفرینی در استان اردبیل را ایفا خواهد کرد. بنابراین، کارآفرینان با بهره‌گیری از نیروهای مولدی که در خود برای حل خلاقانه مساله دارند، با خطرپذیری و تحمل قابل توجه، می‌توانند با زیرکی و ظرافت و سرعت هرچه تمامتر، تهدیدها و تنگناهای محیطی را در جامعه به فرصت تبدیل کنند (نیک رفتار، ۱۳۹۰) که این امر با عوامل پنج‌گانه بالا با سرعت بیشتری می‌تواند تحقق پیدا کند.

راهبردهای توسعه کارآفرینی با رویکرد توانمندسازی معلولان و جانبازان کدامند؟

بر اساس یافته‌های پژوهش‌شش عامل؛ خدمات توانبخشی حرفه‌ای، سرمایه‌گذاری استانی، آموزش مهارت‌ها، تسهیم دانش کارآفرینی، تسهیم تجارب کارآفرینی و برگزاری نمایشگاه‌ها از نظر مصاحبه‌شونده‌گان بر توسعه کارآفرینی معلولان بر رویکردی توانمندسازی شناسایی شد. از دیدگاه آن‌ها مؤسسات توانبخشی حرفه‌ای به عنوان یک نهاد حمایتی، نه رسمی بالاترین تأثیر را در بلندمدت بر توسعه توانمندسازی کارآفرینانه معلولان می‌تواند داشته باشد چراکه، این مؤسسات به عنوان بخشی از نهادهای حمایتی دولت در نظر گرفته شده است و با هدف پاسخگویی به نیازهای شغلی و حرفه‌ای معلولان و جانبازان می‌تواند در جهت توسعه کارآفرینی مؤثر واقع شود. در کل، علاوه بر نقش این مؤسسات در توانمندسازی معلولان و جانبازان از طریق آموزش مهارت‌ها، تسهیم دانش و تجارب کارآفرینی و نیز برگزاری نمایشگاه‌های توانمندی معلولان آنچه که می‌تواند نقش راهبردی اساسی را ایفا کند، سرمایه‌گذاری استانی است که نقش شرکت‌ها و حمایت خیرین از این شرکت‌ها در این سرمایه‌گذاری بسیار تأثیرگذار است.

از نظر مصاحبه‌شوندگان هرچند پدیده توسعه کارآفرینی در جامعه ناشی از موجبات علی و تحت تأثیر شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر است، ولی در این اثنا نقش عاملیت انسانی و کنشگران را نباید نادیده گرفت. آن‌ها با مداخلات و راهبردهای خود می‌توانند این فرایند را تسهیل کنند. در کل، توسعه کارآفرینی مطابق با راهبردهای ذکر شده که توانمندساز معرفی شده‌اند. چراکه، ضرورت کارآفرینی به عنوان شرط بقا و توسعه آن به عنوان یکی از ابزارهای حیاتی راهبردی و کلیدی، برای مواجهه با دنیای کارآفرینی را کاملاً روشن و بدیهی کرده است و راهبردهای کشف شده در این پژوهش در توسعه کارآفرینی مبتنی بر توانمندسازی معلولان می‌تواند مؤثر واقع شود. بر اساس فراوانی مکانیسم‌های شناسایی شده بر پیشبرد توسعه کارآفرینی معلولان با رویکرد توانمندسازی به ترتیب؛ توسعه خدمات

فصلنامه مدیریت کسب و کار - شماره چهل و هفتم - پائیز ۱۳۹۹

توانبخشی حرفه ای در جامعه با (۴)، تسهیم دانش و تجارب کارآفرینی با(۷)، و سرمایه گذاری استانی در حوزه کارآفرینی با (۳) می توان نتیجه گرفت، سه عامل فوق از مکانیسم های راهبردی در فرایند توسعه کارآفرینی باید مدنظر قرار گیرد. مطابق پژوهش های گذشته، توسعه شایستگی های کارآفرینانه عامل اساسی در توانمندسازی افراد و تبدیل شدن آن ها به کارآفرینان موفق است. با وجود این، تعداد شایان توجهی از معلولان به آموزش مهارت های مناسب برای کارآفرینی دسترسی ندارند و به ویژه در کشورهای درحال توسعه این افراد آموزش های حرفه ای نمی بینند (پاورز، ۲۰۰۸) که در کشور ما نیز این امر یک مسأله شده است. دولت ها می توانند از طریق ارائه آموزش های کارآفرینی مطابق با شرایط فردی و اجتماعی معلولان، در راستای استقلال آن ها گامی مؤثر بردارند تا به گسترش فرصت های برابر اقتصادی، اجتماعی و توزیع عادلانه ثروت در جامعه منجر شود (اسعدی، ۱۳۹۱). بر همین مبنا در این پژوهش نیز مصاحبه شوندگان بر ایجاد و یا تاسیس موسسات خدمات توانبخشی حرفه ای بیشترین تاکید را داشته اند که اینگونه موسسات می توانند علاوه بر آموزش کارآفرینی بر معلولان، زمینه سرمایه گذاری های استانی، تسهیم دانش و تجارب کارآفرینی را با برگزاری نمایشگاه های توانمندساز برای معلولان را فراهم کنند.

عوامل زمینه ای توسعه کارآفرینی با رویکرد توانمندسازی معلولان و جانبازان کدامند؟

براساس دیدگاه مشارکت کنندگان، عوامل زمینه ای در پنج مقوله تغییر نگرش ها، اصلاح زیرساخت ها، توافق جمعی، مشارکت و حمایت خیرین تشخیص داده شد. موجبات علی پدیده توسعه کارآفرینی نه در خلأ، بلکه در شرایط خاص محیطی (بسترها) شکل می گیرند و در نتیجه، فرایند توسعه کارآفرینی که نیازمند توافق جمعی نهادهای دولتی و غیردولتی با تغییر نگرش به اینکه "معلولیت محدودیت نیست" و اصلاح زیرساخت های استانی به لحاظ توانمندساز کردن وضعیت معلولان با حمایت خیرین می باشند در سایه ایجاد این بسترها توسعه کارآفرینی مبتنی بر توانمندسازی معلولان معنا پیدا خواهد کرد.

زمینه نشانگر شرایط خاصی است که در آن راهبردهای کنش متقابل برای پاسخ به پدیده صورت می گیرند. راهبردهای توسعه کارآفرینی نیز متأثر از این زمینه هاست. در واقع، اولین گام در این زمینه، نگرش مثبت به کارآفرینی معلولین است که برای نیل به کارآفرینی بالا ضروری است. سپس گام مهم در کارآفرینی براساس رویکرد شایستگی محور، تعیین توانمندی های کارآفرینانه است؛ بنابراین، در تلاش برای برآوردن نیازهای آموزشی معلولان در جنبه های مختلف فرایند کارآفرینی، ضروری است بدانیم کدامیک از توانمندی های کارآفرینانه باید در این افراد گسترش یابد (ایزکوردو و همکاران، ۲۰۰۵). بر اساس فراوانی مقوله های شرایط زمینه ای شناسایی شده بر توسعه کارآفرینی مبتنی بر

طراحی مدل توسعه کارآفرینی افراد معلول و جانباز با /میرزا محمدی، حمدی و نوابخش

توانمندسازی معلولان و جانبازان به ترتیب؛ تغییر نگرش (از منفی به مثبت) با فراوانی (۱۱)، مشارکت و اصلاح زیرساخت ها با فراوانی (۶) و حمایت خیرین با فراوانی (۵) می توان نتیجه گرفت، از پنج عامل زمینه ساز تغییر نگرش بیشترین نقش را به عنوان نقش زمینه ای توسعه کارآفرینی می تواند داشته باشد. چراکه، توانمندی مجموعه ای از تجربه ها، دانش ها، مهارت ها و نگرش هاست که افراد در طول زندگی برای عملکرد مؤثر در وظیفه و شغل خود به دست می آورند. و از آنجا که، تغییر نگرش ترحم آمیز به معلولان در جامعه ما همواره مشکلات زیادی را برای معلولان به لحاظ انگیزشی ایجاد می کند، باید این نگرش در جامعه تغییر پیدا کند. علی رغم اینکه افراد دارای معلولیت از نظر آماری درصد کمی از کل جمعیت را تشکیل می دهند، ولی با نگرش به رقم آنان مشاهده می شود که قشر قابل توجهی از جامعه را شامل شده اند. مادامی که این قشر عظیم از جامعه طرد شوند و در چرخه اشتغال و تولید قرار نگیرند، نه تنها ممکن است به افرادی مصرف کننده تبدیل شوند بلکه فعالیت های اقتصادی و اجتماعی دیگر اعضای خانواده را نیز تحت الشعاع خود قرار می دهند. همین امر سبب بروز بسیاری از مشکلات اجتماعی و فرهنگی در جامعه شده و اثرات مهلکی به لحاظ عاطفی و روحی روانی نظیر: پریشانی، اضطراب، افسردگی و عدم اعتماد به نفس فرد را بر فرد دارای معلولیت وارد می نماید (فرجی، ۱۳۸۹).

شرایط مداخله ای (واسطه ای) توسعه کارآفرینی با رویکرد توانمندسازی معلولان و جانبازان کدامند؟

براساس دیدگاه مشارکت کنندگان، عوامل مداخله ای در توسعه کارآفرینی با سه مقوله اساسی تبعیض نگرشی، نظارت حمایتی و تجارب تشخیص داده شده است. شرایط مداخله گر یا میانجی را می توان به منزله زمینه ساختاری وسیع تر مربوط به پدیده در نظر گرفت که در جهت تسهیل یا محدودیت راهبردهای پدیده مورد نظر در زمینه خاص عمل می کنند (کوربین و اشتراوس، ۲۰۱۴). با توجه به نتایج کدگذاری، کنش متقابل و فرایند توسعه کارآفرینی در جامعه تحت تاثیر مقوله های تبعیض نگرشی، نظارت حمایتی و تجارب کارآفرینی است. باید گفت علاوه بر شرایط زمینه ای، شرایط مداخله گر نیز شرایطی هستند که بر چگونگی کنش متقابل و راهبردهای پیشنهادی اثر می گذارند. بر اساس مصاحبه های انجام شده و تحلیل آن ها شرایط مداخله گر در این پژوهش چنانچه، از کیفیت لازم برخوردار نباشد راهبردهای پیشنهادی را با مشکل مواجه خواهد نمود. چراکه، نظارت حمایتی به عنوان پیش برندگان اصلی توسعه کارآفرینی از طریق نفوذ بر تخصیص منابع، تصریح و شفاف نمودن نقش ها و مسئولیت ها، ایجاد مشارکت و توانمندسازی افراد و مدیریت فرایندها تأثیرگذار است. در تبیین این یافته ها باید گفت که از مقوله های بسیار مهم توسعه کارآفرینی مقوله " نظارت حمایتی " است که بیشترین تأثیر را می تواند در توسعه کارآفرینی داشته است. نظارت و کنترل به کارآفرینان کمک

فصلنامه مدیریت کسب و کار - شماره چهل و هفتم - پائیز ۱۳۹۹

می‌کند که بر اثربخشی، برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی و هدایت کردن فعالیت‌ها نظارت نمایند (فریمن و همکاران، ترجمه اعرابی و پارسائیان، ۱۳۹۳)، هر چند نظارت حمایتی بسیار اثربخش‌تر از نظارت‌های دستوری است. بر اساس فراوانی‌های شرایط مداخله‌ای/تسهیل‌گر شناسایی شده بر پیشبرد توسعه کارآفرینی در توانمندسازی معلولان به ترتیب؛ رفع تبعیض‌های تجارب با ۹ فراوانی، نگرشی با فراوانی ۷، و نظارت حمایتی با ۵ فراوانی می‌توان نتیجه گرفت، از سه عامل مداخله‌گر توسعه کارآفرینی؛ تجارب کارآفرینی در سه سطح استانی، ملی و بین‌المللی بیشترین نقش را به عنوان نقش تسهیل‌گر در توسعه کارآفرینی با رویکرد توانمندسازی معلولان باید مورد توجه قرار گیرد.

نتایج و برایندها (پیامدها) توسعه کارآفرینی با رویکرد توانمندسازی معلولان و جانبازان کدامند؟

اعمال (کنش‌ها) و عکس‌العمل‌ها (واکنش‌ها) که در مقابله یا جهت‌آوردی و کنترل پدیده صورت می‌گیرد، پیامدهایی را در پی خواهد داشت. پیامدها در راستای توسعه کارآفرینی مبتنی بر توانمندسازی معلولان و جانبازان به احساس رضایت، رفاه اجتماعی، منزلت اجتماعی، احساس خوداثربخشی، امید به زندگی و احساس شایستگی خواهد انجامید. بر اساس کدهای احصاء شده در صورتی که توسعه کارآفرینی مبتنی بر توانمندسازی معلولین اشاعه و نهادینه شود منزلت و رفاه اجتماعی و در کل احساس رضایت بیشتر در معلولان و جانبازان در جامعه قابل حصول خواهد بود. این نتیجه پژوهش با نتایج پژوهش‌های قبلی از جمله؛ ورکیانی پور و همکاران (۱۳۹۸)، عطایی کچویی (۱۳۹۷)، کیانی چلمردی (۱۳۹۷)، ابراهیمی (۱۳۹۶)، و شیر و همکاران (۲۰۱۹) همخوانی داشته و باید گفت که نتیجه توسعه کارآفرینی بر اساس نظرات صاحب‌نظران حوزه کارآفرینی بهبود رضایت خاطر افراد بوده است. بر اساس فراوانی‌های پیامدهای شناسایی شده بر توسعه کارآفرینی به ترتیب؛ منزلت اجتماعی با فراوانی ۸، احساس رضایت و امید به زندگی با فراوانی ۵، احساس خوداثربخشی با فراوانی ۴ و نیز رفاه اجتماعی و احساس شایستگی با فراوانی ۳؛ می‌توان نتیجه گرفت، سه عامل از میان پیامدهای توسعه کارآفرینی برای معلولان و جانبازان؛ منزلت اجتماعی، احساس رضایت و امید به زندگی به ترتیب بیشترین نقش را به عنوان پیامدهای توسعه کارآفرینی داشته است.

در مجموع می‌توان نتیجه‌گیری کرد که توسعه کارآفرینی با رویکرد توانمندسازی معلولان و هدایت آن از مرحله آغاز تا مرحله حصول نتیجه نیازمند توجه بیشتر و حمایت‌های زیاد دولت و ملت است. در ادامه پیشنهادات اجرایی و کاربردی بر اساس هر یک از یافته‌ها ارائه می‌گردد: مدیران نهادهای حامی در سطح کشور به ویژه استان‌ها باید برنامه راهبردی و قانون شفاف را در جهت توانمندسازی معلولان و جانبازان به جهت خوداشتغالی و کارآفرینی تدوین نمایند. همچنین در راستای تحقق توسعه

طراحی مدل توسعه کارآفرینی افراد معلول و جانباز با /میرزامحمدی، حمدی و نوابخش

کارآفرینی با رویکرد توانمندسازی برنامه ریزان کارآفرینی با مهندسی مجدد و بازسازی ساختارهای قدیمی در جهت توجه به عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی و مالی سیاستگذاری استانی را با توجه به تمرکززدایی ترویج و اشاعه دهند. علاوه بر این، تغییر نگرش نهادهای مسئول در فراهم نمودن کارآفرینی بایستی با استقرار نظام حمایتی خیرین به جهت ورودی منابع مالی بیشتر به حوزه کارآفرینی معلولان و جانبازان صورت پذیرد، هرچند حمایت نظارتی دولت نافذ خواهد بود.

منابع

- (۱) ابراهیمی، اعظم. (۱۳۹۶). طراحی مدل کارآفرینی ورزش در کشور، رساله دکتری (*PhD*)، دانشگاه مازندران، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی.
- (۲) احمد پور داریانی، محمود. (۱۳۹۱). کارآفرینی (تعاریف، نظریات، الگوها). تهران، انتشارات جاجرمی
- (۳) استادیان خانی زهرا، فدایی مقدم ملیحه. (۱۳۹۶). اثربخشی گروه‌درمانی مبتنی بر پذیرش و تعهد بر سازگاری اجتماعی و هراس اجتماعی معلولان جسمی. *مجله توانبخشی*. ۱۸ (۱)، ۶۳-۷۲
- (۴) اسلامی نسب، علی. (۱۳۷۲). روانشناسی جانبازی و معلولیت، تهران: صفی‌علیشاه
- (۵) باقری، افسانه؛ تقوی مریم آبادی، فاطمه و آراستی، زهرا. (۱۳۹۴). شناسایی شایستگی‌های کارآفرینانه با تأکید بر معلولان جسمی - حرکتی، *مجله توسعه کارآفرینی*، ۸(۳)، ۴۹۲-۴۷۳
- (۶) دستیار، وحید و محمدی، اصغر. (۱۳۹۷). سنجش توانمندسازی معلولان جسمی (معلولان جسمی حرکتی، احشایی و حسی) در سال ۱۳۹۴ و عوامل مرتبط با آن (مطالعه مقطعی تحلیلی در استان کهگیلویه و بویراحمد)، *مجله توانبخشی*، ۱۹(۴)، ۳۶۸-۳۵۵
- (۷) سطوت، افسانه و همکاران، (۱۳۹۷). "شناسایی چالش‌های ازدواج معلولین جسمی - حرکتی شهرتهران: یک مطالعه پدیدارشناسی"، *نشریه پژوهش توان‌بخشی در پرستاری*، ۵(۲)، ۵۶-۶۲
- (۸) شفیع‌آبادی، عبدالله. (۱۳۹۶). *توانبخشی شغلی و حرفه‌ای معلولین*، اصفهان: انتشارات جنگل، چاپ پنجم
- (۹) ظهیری‌نیا، مصطفی، (۱۳۹۰). بررسی پیامدهای فردی و اجتماعی معلولیت، *پژوهش‌نامه فرهنگی هرمزگان*، ۱۱(۱ و ۲)، ۱۶۲-۱۸۰
- (۱۰) عبادی علی، هاشمی شیخ شبانی سید اسماعیل، قاسم زاده رویا، جعفری سیدمحمد علی، لطیفی سید محمود. (۱۳۹۲). تعیین موانع اشتغال افراد دارای معلولیت جسمی حرکتی و کاربرد های آن برای مدیران توانبخشی. *مجله مطالعات ناتوانی*. ۳ (۲)، ۲۲-۹.
- (۱۱) عطایی کچویی، مرضیه. (۱۳۹۷). طراحی مدل کارآفرینی اجتماعی - فرهنگی با هدف توانمندسازی زنان سرپرست خانوار شهر اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر اصفهان، دانشکده پژوهش‌های عالی هنر و کارآفرینی
- (۱۲) علاءفر، صادق. (۱۳۷۶). خوداشتغالی معلولین، اولین کنگره سراسری توانبخشی حرفه ای معلولین ایران، تهران، معاونت توانبخشی سازمان بهزیستی کشور.
- (۱۳) فرجی، محمدعلی. (۱۳۸۹). بررسی تطبیقی حقوق معلولین در حوزه اشتغال، تهران، انتشارات جنگل

طراحی مدل توسعه کارآفرینی افراد معلول و جانباز با /میرزامحمدی، حمدی و نوابخش

- ۱۴) فریمن، ادوارد؛ استونر، جیمز آرتور فینچ و گیلبرت، دانیل. (۱۳۹۳). مدیریت: سازماندهی، رهبری و کنترل - جلد دوم، ترجمه سید محمد اعرابی و علی پارسایان، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی
- ۱۵) کریمی درمنی، حمیدرضا. (۱۳۹۷). توانبخشی گروه های خاص با تأکید بر خدمات مددکاری اجتماعی، چاپ سوم، تهران: رشد
- ۱۶) کیانی چلمردی، احمد. (۱۳۹۷). بررسی راه های توانمندسازی معلولین بر حسب نوع و شدت معلولیت در استان اردبیل با تأکید بر توانمندسازی حرفه ای، طرح پژوهشی سازمان تأمین اجتماعی استان اردبیل
- ۱۷) مالوتره، آ؛ بوندر، ک و شولر س.ر. (۱۳۸۹). سنجش توانمندی زنان به عنوان یک متغیر در توسعه بین المللی، ترجمه مداح و محمدی، مقاله مندرج در توان مندی زنان، نقدی بر رویکردهای رایج توسعه، تهران: نشر آگه
- ۱۸) مرادی، اعظم؛ امیری، شعله؛ ملک پور، مختار، مولوی، حسین و نوری، ابوالقاسم. (۱۳۸۸). اثربخشی آموزش گروهی خودکارآمدی بر کیفیت زندگی و رفتار کارآفرینانه زنان دچار ناتوانی جسمی حرکتی، مجله مطالعات اجتماعی- روانشناختی زنان، ۷(۳۱)، ۷۱-۹۸
- ۱۹) والاس، کلر و ابوت، پاملا. (۱۳۹۹). جامه شناسی زنان، چاپ پانزدهم، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی
- ۲۰) ورکیانی پور، نفیسه؛ حسینی، سید محمدرضا؛ سمیعی، روح الله و اشرفی، مجید. (۱۳۹۸). ارائه مدل توسعه کارآفرینی زنان با رویکرد توسعه پایدار روستایی در استان گلستان، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۹(۵۴)، ۱۶۶-۱۴۷
- 21) Berglund, K. (2012). *Fostering the enterprising self: Gendered notions of entrepreneurship in Swedish school education. 7th Biennial International Interdisciplinary Conference of Gender, Work and Organization.*
- 22) Boylan, A., & Burchardt, T. (2003). *“Barriers to Self-Employment for Disabled People”.* Small Business Service: London
- 23) Burchardt, T. (2002). *“Enduring economic exclusion: Disabled people, income and work”.* York: York Publishing Services.
- 24) Charmaz, K. (2007). *Reconstructing Grounded Theory.* In L. Bickman, P. Alasuutari, & J. Brannen (Eds.). *Handbook of Social Research* (pp. 461–478). London: Sage.
- 25) Choi J W, SooLee K & Han E. (2020). *Psychiatric disorders and suicide risk among adults with disabilities: A nationwide retrospective cohort study, Journal of Affective Disorders, 263, 9-14*

- 26) Glaser, B. (1998). *Doing grounded theory: Issues and discussions*. Sociology Press. Mill Valley, CA.
- 27) Holub. T. (2001). "Entrepreneurship among people with disabilities". www.celcee.edu/publications/digest/Dig01-05.html
- 28) Hwang, S. K., & Roulstone, A. (2015). "Enterprising? Disabled? The status and potential for disabled people's microenterprise in South Korea". *Disability & Society*, 30(1): 114-129
- 29) Izquierdo, E., Deschoolmeester, D., & Salazar, D. (2005). "The importance of competencies for entrepreneurship: A view from entrepreneurs and scholars perspective". Available at: http://www.espae.espol.edu.ec/images/documentos/publicaciones/documentos_trabajo/entrepreneurship/Importance.pdf.
- 30) Jones, M. K. (2005). "Disability and the labour market: a review of the empirical evidence". WELMERC Discussion paper, Deptt. Of Economics, Univ of Wales Swansea.
- 31) King T., Shields M, Shakespeare T, Milner A & Kavanagh A. (2019). An intersectional approach to understandings of mental health inequalities among men with disability, *SSM - Population Health*, 9, 100464, journal homepage: www.elsevier.com/locate/ssmph
- 32) Kingombe, C. (2011). *Lessons for developing countries from experience with technical and vocational education and training*. Paper for the International Growth Centre – Sierra Leone country programme.
- 33) Man, T. W. Y., Lau, T., & Chan, K. F. (2002). "The competitiveness of small and medium enterprises: A conceptualization with focus on entrepreneurial competencies". *Journal of Business Venturing*, 17(2): 123-142.
- 34) Martins, S. (2004). "Barriers to entrepreneurship and business creation. European Commission". *European Social Fund*, 1-49.
- 35) Myers A, Ward B, Wong J & Ravesloot C. (2020). Health status changes with transitory disability over time, *Social Science & Medicine*, 244, 112647, journal homepage: www.elsevier.com/locate/socscimed
- 36) Nowiński, W, and Haddoud, M.Y. (2019). The role of inspiring role models in enhancing entrepreneurial intention, *Journal of Business Research* 96, 183-193
- 37) Otto, M. (2009): *Green: challenges and Opportunities for Business Growing Green: Challenges and opportunities for Business*, United Nations climate change conference dec 7- dec 18.
- 38) Pagán, R. (2009). "Self-employment among people with disabilities: evidence for Europe". *Disability & Society*, 24(2): 217-229.

- 39) Powers, T. (2008). "The skills and productivity of persons with disabilities". *International Labour Office, Skills and Employability Department*. - Geneva: ILO, No. 3, 1-43.
- 40) Roni, N. (2009). "Disabled Entrepreneurship: A viable route of opportunity for the disabled ,?" *MMUBS Doctoral Symposium*. Available at: <http://www.ribm.mmu.ac.uk/symposium2009/Papers%2009/Roni,%20Naheed.pdf>
- 41) Shir, N., Nikolaev, Boris N., Wincent, Joakim. (2019). *Entrepreneurship and well-being: The role of psychological autonomy, competence, and relatedness*, *Journal of Business Venturing*, Available at: journal homepage: www.elsevier.com/locate/jbusvent
- 42) Strauss, A., & Corbin, J. (1998). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*. New York, NY: Sage.
- 43) Whetten, D. A., & Cameron, K. S. (2000). *Developing management skills*. Pearson Education.
- 44) World Health Organization. (2012). *World Report on Disability*. (WHO Library Cataloguing-in-Publication Data) Retrieved from World Health Organization: http://www.who.int/disabilities/world_report/2011/en/index.html
- 45) Yamamoto, S., Unruh, D., & Bullis, M. (2011). *The viability of self-employment for individuals with disabilities in the United States: A synthesis of the empirical-research*. *Journal of Vocational Rehabilitation*, 35(2), 117-127.
- 46) Zhou, M., & Xu, H. (2012). *A Review of Entrepreneurship Education for College Students in China*. *Adm Sci*, 2, 82-98.

یادداشت‌ها :

یادداشت‌ها :

-
- 1 - disability
 - 2 - Choi
 - 3 - King
 - 4 - Myers
 - 5 -Hwang & Roulstone
 - 6 -Houlb
 - 7 -Pagán
 - 8 -Burchardt
 - 9 -Jones
 - 10 -Roni
 - 11 -Martins

- 12 -Boylan
- 13 - Nowiński & Haddoud
- 14 - Izquierdo
- 15- Wallace & Abbott
- 16- Man
- 17 - Powers
- 18 - Otto
- 19 - Berglund
- 20 - Zhou
- 21 - Kingombe
- 22 - World Health Organization
- 23 - Yamamoto
- 24- empowerment
- 25 - Pinder
- 26- Spreitzer
- 27- Veton & Cameron
- 28- Mishra
- 29- Self-efficacy
- 30- Self-determination
- 31- Trust in other
- 32 - Shir
- 33- Grounded Theory
- 34- Charmaz
- 35- Glaser
- 36- Theoretical Sensitivity
- 37- Validating
- 38- Fitness
- 39- Logic
- 40- Depth
- 41- open coding
- 42 -axial coding
- 43- subcategories
- 44- categories
- 45 . Visual Model